

The Analysis of Semantic Components of “Imam” in Sign 12 of Surah “Yasin” based on Syntagmatic and Paradigmatic Relationships

Fathiyeh Fatahizadeh¹, Farideh Amini^{2*}

1- Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Theology, Al-Zahra University, Teheran, Iran

f_fatahizadeh@alzahra.ac.ir

2- MA Student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Al-Zahra University, Teheran, Iran

amini_543@yahoo.com

Abstract

Syntagmatic and paradigmatic relationships, as the linguists such as Roman Jakobson pointed out from the beginning, make the foundation of language. Hence through identifying the semantic components of a particular word and examining the syntagmatic and paradigmatic relationships, the word uses can be extensively determined. In this way, the syntagmatic and paradigmatic items of the word are determined. On the basis of the semantic components of the word “Imam”, one of the most important words in the Holy Quran, the occurrence frequency of which is 12, is used in sign 12 of Surah “Yasin”. Regarding the investigations, it can be said that what is established in the meaning of “Imam” is the rank of God’s science which is related to the divine action and want. It is kept in the hidden world. The presence of Imam makes God’s words join together. It is a comprehensive version of the divine names. Imam is the perfect sign of God. The denotative meaning of such a great sign is nothing but obtaining monotheism. For the same reason, knowing Imam is considered the complement of God’s monotheism.

Keywords: Semantics; Imam; Semantic Component; Syntagmatic and Paradigmatic Relations.

* Corresponding Author

تحلیل مؤلفه‌های معنایی «امام» در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس با بهره‌گیری از روابط هم‌نشینی و جانیشینی

فتحیه فتاحی‌زاده^۱، فریده امینی^{۲*}

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۲- دانشجوی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

amini_543@yahoo.com

چکیده

هم‌نشینی و جانیشینی، همان‌گونه که زبان‌شناسانی چون رومان یاکوبسون از آغاز اشاره کرده‌اند، تار و پود زبان را تشکیل می‌دهد. از این رو، می‌توان با مشخص کردن مؤلفه‌های معنایی یک واژه خاص و سپس بررسی ارتباط‌های واژه‌های هم‌نشین و جانشین با آن، کارکردهای واژه را در زبان در سطح گسترده‌ای مشخص کرد. با این روش، ابتدا هم‌نشین‌ها و جانشین‌های واژه مدنظر مشخص می‌شود، سپس بر پایه مؤلفه‌های معنایی به‌دست‌آمده از واژه‌های هم‌نشین و جانشین، مؤلفه‌های مشترک نشان داده می‌شود، این مؤلفه‌ها، مؤلفه‌های معنایی واژه مدنظر است. واژه «امام»، از کلیدی ترین واژه‌های قرآن کریم، که بسامد رخداد آن ۱۲ مرتبه است، یکی از کاربردهای آن در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس است. «امام» در این آیه همراه با واژه‌های هم‌نشین و جانیشینش در قرآن مبنای تحلیل واژه «امام» در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس است. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته و پنج مؤلفه معنایی به‌دست‌آمده (احصاء، مبین، خلیفه، آیه، کتاب) آنچه در «امام» ثبت می‌شود، مرتبه‌ای از علم حق تعالی است که مربوط به فعل و مشیت الهی است و در عالم غیب محفوظ و مکنون است. وجود «امام» عامل نظم و پیونددهنده کلمات الهی است و نسخه‌ای است جامع از اسمای حسنا الهی. امام در تمام شئون افعال و اوصاف الهی «آیه کامل» حق تعالی است. مدلول این آیه عظیم چیزی جز رسیدن به توحید ربوبی نیست؛ از این رو شناخت امام متمم توحید حق تعالی محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، معناشناسی امام، مؤلفه معنایی، روابط هم‌نشینی، روابط جانیشینی.

بیان مسئله

برای کشف و تبیین زبان نوشتاری قرآن و مفاهیم آن به دانش‌های متعددی نیاز است که یکی از آنها معناشناسی (Semantics) است. معناشناسی در یک تعریف بسیط و ساده اصطلاحی برای اشاره به مطالعه معنای عناصر زبان، به‌ویژه مطالعه شرایط حقیقی جملات و عبارات زبانی است (اختیار، ۱۳۴۸، ص ۱۲۷).

از دیدگاه معناشناسی، کلام مجموعه‌ای منسجم است و معناشناس بررسی این انسجام را در کلام برعهده دارد (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۵). معناشناس ابتدا متن را برش و تقطیع کلامی می‌کند و پس از بررسی معناشناختی این قطعات اتصال آنها به یکدیگر برای دستیابی به کل معنایی را آغاز می‌کند. ویژگی این روش برخورداری از دقت ویژه تحلیل متن است، چراکه مطالعه خود را به پیکره کلامی محدودی معطوف می‌کند، تا بتواند بررسی موشکافانه‌ای انجام دهد (شعیری، ۱۳۸۸، ص ۴). مفهوم یک واژه و حسب شرایط لازم و کافی یا آنچه مؤلفه معنایی یک واژه نامیده می‌شود، در حوزه‌های معنایی مختلفی جای می‌گیرد. اعضای یک حوزه معنایی یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهد که در رابطه متقابل با یکدیگرند، چنین واحدهایی به دلیل ویژگی مشترکشان «هم حوزه» به حساب می‌آیند (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۰).

در واقع «معناشناسی» ابزاری برای شناخت معناست، پس باید بتواند در فضاها و محیط‌های متنوع، متن‌های گوناگون روشی مناسب با کشف معنا و درخور آن متن برای رسیدن به مراد مؤلف بیابد (مطیع، ۱۳۹۱، ص ۷۴). معناشناسی در روند شکل

گیری خود مکاتب و روش‌هایی را اتخاذ می‌کند که هرکدام با ابزاری خاص، معنا را کاوش می‌کند. روش پژوهش حاضر پیرامون معناشناسی هم‌زمانی است. در معناشناسی هم‌زمانی، عامل زمان لحاظ نمی‌شود و صرفاً «تفاوت‌ها و تمایزهایی» میان معانی، در یک مقطع زمانی مشخص مطالعه می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۳۹).

«امام» در قرآن کریم در معانی مختلفی ظهور کرده است؛ بنابراین فهم دقیق آن و دستیابی به معنای آن مطالعه‌ای روشمند می‌طلبد که مناسب با ویژگی‌های قرآن است و متن چندوجهی و سرشار از پیچیدگی‌های زبانی-معنایی است. معناشناسی نیز یکی از روش‌های نوین در مطالعات قرآنی است که با مطالعه علمی معنا، معنای نهفته در متن را استخراج می‌کند. در این راستا آثار متعددی را در قالب کتاب و مقاله با رویکرد معناشناسی مفاهیم قرآنی بررسی و تبیین کرده‌اند.

درباره معناشناسی واژه «امام» در قرآن کریم اثر «معناشناسی امام و مقام امامت» در قالب کتاب و به قلم نجارزادگان (۱۳۹۰) دیدگاه مفسران فریقین را بررسی و ارزیابی کرده است. همچنین مقدماتی نیز در حیطه علم امام، لوح محفوظ، خزائن الهی نگارش شده که بیشتر از صبغه کلامی و تفسیری برخوردار است. حال آنکه در این پژوهش کوشش شده است تا با بررسی ارتباط معنایی واژه‌هایی که با «امام» در آیه ۱۲ سوره یس در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند، در دو محور جانشینی و هم‌نشینی معنای دقیق واژه «امام» در آیه مذکور تبیین شود. می‌توان این پژوهش را به تمام هم‌نشین‌ها و جانشین‌های امام گسترش داد و به مؤلفه‌های بیشتر و دقیق‌تری دست یافت.

۱. مبانی نظری پژوهش

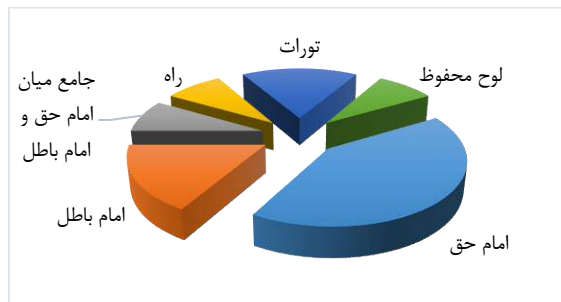
یافتن دقیق معنای واژه در زبانی خاص از دغدغه‌های اصلی اهل آن زبان است. یکی از شیوه‌های یافتن معنای دقیق واژه استفاده از روش بررسی هم‌نشینی‌ها و جانشینی‌ها درون ساختار زبانی است. این روش بر نظریه ساخت‌گرایی استوار است (سوسور، ۱۳۸۰، صص ۷-۴۷). در ادامه محورهای هم‌نشینی و جانشینی و مؤلفه معنایی بررسی می‌شود.

۱-۱. محور هم‌نشینی و جانشینی

روابط و تفاوت‌هایی که میان عناصر زبان وجود دارد، به دو حوزه متمایز تقسیم می‌شوند که هر یک پدیدآورنده دسته معینی از ارزش‌هاست (سوسور، ۱۳۸۰، صص ۱۷۷-۱۷۸). این دو دسته به دوگونه فعالیت ذهنی ما مربوط است که برای حیات زبان ضروری به شمار می‌رود. رابطه هم‌نشینی که از نوع ترکیب میان الفاظی است که در زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌یرویش، ۱۳۷۴، ص ۳۰). از آنجا که برای ساختن یک عبارت، رابطه هم‌نشینی یعنی چگونگی قرارگرفتن تک‌واژه‌ها در کنار یکدیگر بر روی زنجیره گفتار باید مطابق روش‌ها و قوانین خاصی که قواعد نحوی زبان نام دارند، صورت بگیرد تا آن عبارت دارای معنی و مفهوم روشنی باشد، رابطه هم‌نشینی را «رابطه نحوی» نیز می‌گویند (باقری، ۱۳۷۸، ص ۴۳). بنابراین هر واژه با نظام یا سیستم معنایی، نماینده و دربردارنده جهان‌بینی خاصی است که ماده خام تجربه را به صورت جهان با معنا و تعبیریافته‌ای تغییر می‌دهد. واژگان به این معنا یک ساختمان تک‌پاره‌ای نیستند؛ بلکه تعدادی واژگان فرعی را شامل می‌شود که در عرض یکدیگر

واژه «امام» در مجموع دوازده مرتبه در قرآن به کار رفته است که در نمودار زیر، نمونه‌های کاربرد آن مشاهده می‌شود:

نمودار ۱: نمونه‌های کاربرد واژه امام در قرآن



تمایز پژوهش حاضر تمرکز بر آیه ۱۲ سوره مبارکه یس و دستیابی به مفهوم «امام» در این آیه است. در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس (إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) سخن از دو کتاب است: کتابی که اعمال انسان قبل از مرگ و همچنین باقیاتی که بعد از مرگ از خویش به جای می‌گذارد، در آن ثبت است (نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ) و به نوعی کتاب اعمال (أَمْتٍ يَا فَرْدِي) محسوب می‌شود و کتابی که برای عموم موجودات است و «كُلَّ شَيْءٍ» در آن ثبت شده و از آن تعبیر به «امام» شده است. بنا به نظر مفسران منظور از «إِمَامٍ مُّبِينٍ» لوح محفوظ است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۶۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۶۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۴۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۵۴)؛ لوحی که از دگرگون‌شدن و تغییر پیدا کردن محفوظ است و مشتمل بر تمام جزئیاتی است که خداوند سبحان برای خلق اراده کرده است.

در ادامه به مبانی نظری این شیوه به‌طور اجمال پرداخته می‌شود:

۲-۱. مؤلفه‌های معنایی

معناشناسان سعی داشته‌اند برای مطالعه دقیق‌تر معنی واژه‌ها، مفهوم آنها را به مشخصه‌هایی تجزیه کنند. هریک از این مشخصه‌ها، مؤلفه‌های معنایی خاصی را برای مفهوم یک صورت زبانی در نظر می‌گیرد. هریک از این مؤلفه‌های معنایی، یک نشان به حساب می‌آیند (صفوی، ۱۳۷۸، صص ۳۸-۳۹). مؤلفه‌های معنایی یا *شرطیه* $\square\square$ «مؤلفه‌های معنایی یا *شرطیه* $\square\square$ لازم و کافی» ویژگی‌هایی هستند که مفهوم واژه‌ها را تشکیل می‌دهند و وجوه اشتراک و افتراق مفاهیم را می‌نمایانند (کرمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۸). برای مثال «انسان بودن» و «مؤنث بودن» *شرطیه* $\square\square$ «مؤنث بودن» هستند و چون «بالغ بودن» آن را از مفهوم «دختر» متمایز می‌کند، شرط کافی برای آن محسوب می‌شود (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۷۱). به عبارت دیگر، مؤلفه‌های معنایی مشخصه‌هایی به حساب می‌آیند که ویژگی‌های ممیز مفاهیم را نشان می‌دهند و به عبارت بهتر، تشخیص معنای یک واژه از طریق عناصر یا مؤلفه‌های معنایی ممیزه است. این مؤلفه‌ها می‌تواند برای توصیف دقیق‌تر روابط معنایی، کارایی مطلوبی داشته باشد (پالمر، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷). مثلاً در آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً دَعْوَى لِمَا نَلَّوْا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ $\square\square$ يُنصِرُونَ» (القصص: ۴۱) مشخصه «دعوت به آتش» و «نصرت نکردن (الهی)» مؤلفه‌های معنایی برای واژه «ائمه» به شمار می‌روند و نشان می‌دهند «امام» به کاررفته در آیه مزبور در معنای امام باطل است.

۳-۱. معنای لغوی «امام»

در تقسیم معنا در دانش معناشناسی با انواع هم معنایی (Synonymy)، چندمعنایی (Polysemy)،

قرار گرفته‌اند و مرزهای متداخل با یکدیگر دارند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۱۱). هدف اصلی درهم‌نشینی بین واژگان، به هم پیوستن مفاهیم و تصوّرات فردی هر واژه است. کلمات و واژگان در قرآن کریم تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته‌اند؛ بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگر به کار رفته‌اند و معنای محسوس و ملموس خود را دقیقاً از مجموع دستگاه ارتباطی که با هم دارند، به دست می‌آورند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، صص ۵-۶). در نتیجه در تجزیه و تحلیل تصورات کلیدی فردی که در قرآن کریم است، هرگز نباید روابط متعددی را که هریک از آنها با دیگر واژگان در کل متن دارند را از نظر دور ساخت (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۶).

از سوی دیگر رابطه جانشینی رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی میان هریک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن شوند (بی‌پرویش، ۱۳۷۴، ص ۳۱). به عبارت دیگر، جانشینی معنایی انتخاب یک نشانه به جای نشانه دیگر به حسب تشابه است (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۹).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود میان لفظ - معنای یک زنجیره کلامی دو رابطه افقی و عمودی برقرار است. رابطه افقی همان رابطه ترکیبی (هم نشینی) و رابطه عمودی رابطه انتخابی (جانشینی) میان لفظ-معنای زنجیره کلامی با لفظ-معنای است که می‌توانند جایگزین آنها شوند. این روابط در مجموع، ساختاری سطحی را تشکیل می‌دهند که محور افقی آن «محور هم‌نشینی» (Syntagmatic Axis) و محور عمودی آن «محور جانشینی» (Paradigmatic Axis) نام دارد (چندلر، ۱۳۸۶، صص ۱۲۹-۱۳۰).

۲. معناشناسی ساختاری واژه امام در آیه ۱۲ سوره

یس

در ادامه با بررسی هم‌نشین‌ها و جانشین‌های واژه «امام» در آیه ۱۲ سوره یس در پی ارتباط معنایی واژه‌هایی هستیم که با «امام» در آیه ۱۲ سوره یس در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند و به نوعی تبیین‌کننده معنای «امام» در آیه هستند.

۲-۱. هم‌نشین‌های «امام» در آیه ۱۲ سوره یس

برای درک مفهوم «امام» و مؤلفه‌های معنایی آن در آیه مزبور هم‌نشین‌هایی که دارای رابطه نحوی با امام هستند، بررسی می‌شوند تا در سایه آن به بخشی از مؤلفه‌های معنایی «امام» در آیه دست یافته شود.

۲-۱-۱. احصاء

یکی از هم‌نشین‌های «امام» در آیه ۱۲ سوره یس مفهوم «احصاء» است. در ۱۱ نمونه «امام» در قرآن کریم به کار رفته است، هشت نمونه احصاء از جانب خداوند صورت گرفته است، در دو نمونه به رسول اکرم (ص) و اصحاب کهف نسبت داده شده است، در دو نمونه نیز به ناتوانی بندگان درباره احصاء نعمت‌های الهی اشاره شده است.

«احصاء» از ماده [حصى] در لغت به معنای ضبط‌کردنی که با احاطه کامل صورت می‌گیرد، احصاء مرحله‌ای بعد از احاطه و علم پیدا کردن است؛ از این رو چون انسان قادر نیست به تمام نعمت‌های الهی احاطه و علم پیدا کند، قادر به احصاء آنها نیز نخواهد بود «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ أَنْ تُحْصَوْهَا» [لورهیم / ۳۴؛ نحل/ ۱۸] و خداوند سبحان محیط مطلق است که با احاطه کامل خویش بر غیب آسمان و زمین که منشأ آن علم الهی

شمول معنایی (Hyponymy)، تناقض معنایی (Incompatibility) و استلزام (Entailment) روبه‌رو هستیم. «وجوه و نظایر» در قرآن کریم را می‌توان از نوع چندمعنایی به شمار آورد (محمد العوی، ۱۳۸۹، ص ۱). پالمر در تعریف «چند معنایی» آورده است: «ما در زبان با واژه‌های مختلف که دارای معانی گوناگون هستند، سر و کار نداریم؛ بلکه به برخی واژه‌ها بر می‌خوریم که به تنهایی از چند معنا برخوردارند. این مسئله را چندمعنایی و چنین کلماتی را چندمعنا می‌نامیم» (پالمر، ۱۳۶۶، ص ۱۱۵).

وجوه و نظایر از دیدگاه علمای علوم قرآن نیز بدین معناست که واژه واحدی در چند جای قرآن به یک لفظ و یک حرکت می‌آید؛ ولی در هر بافت معنایی دیگر دارد. اگر لفظی در یک بافت به یک معنا آمده باشد و لفظ دیگری در بافت دیگر با همان معنا آمده باشد، آن را نظایر گویند و اگر در لفظ یا عبارتی چندمعنا احتمال رود، این معانی را وجوه گویند (حاجی خلیفه، ۱۹۴۳، ج ۲، ص ۲۰۱).

لفظ «امام» در زبان عربی از وجوه محسوب می‌شود و برای آن معانی مختلفی ذکر شده است. «امام» از ریشه [امم] مهموز الفاء و مضاعف است و در لغت به معانی زیر آمده است: الف) آنچه اقتدا و تبعیت می‌شود «ثَفُودٌ مِنْ أَقْلَىٰ بِهِ وَقَلَّالٌ فِي الْأُمُورِ كِرَاهِيَةٌ» (ج ۸، ص ۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱)؛ ب) مقدم (ابن منظور، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۲۴-۲۵)؛ ج) قیم و سرپرست (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۰)؛ د) طریق و راه (همان) سه معنای مذکور بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند و مفاد لغوی واژه، مطلق است و شامل هر فردی یا کتابی می‌شود که نسبت به عده‌ای، مقدم، مقتدا و سرپرست است (یزدی مطلق و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۴۵).

شامل علم تفضیلی حق تعالی به ذات خود و علم اجمالی به اشیاء است. علم به اشیاء که عین ذات مقدس حق و عین وجود اوست و علمی بسیط و در نهایت اجمال که هیچ تفصیلی به آن راه ندارد و موجودات به صورت بسیط در این مرتبه موجودند. این علم در عین اجمال بر تمام موجودات احاطه و شمول دارد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۱۸).

۲-۱-۱-۱-۱-۲. قضاء

مرتبه دوم که از آن تعبیر به مرحله قضاء شده است، عالم صور تفضیلی حق و مرتبه تفضیل اشیاء است. در واقع پس از آنکه وجود تمام موجودات در عنایت الهی که مرحله پیش از قضاء است به صورت مجمل بود، در عالم قضاء وجود آنها به صورت مجتمع گرد آمده است (صدرالمتألهین، ۱۳۸۰، ص ۸۷). در واقع این قضاء، ذاتی و در مرتبه ذات حق تعالی است که با آن همه اشیاء آنگونه که در خارج وجود دارند، برای واجب تعالی به تفصیل و برتر و شریف‌تر عیان هستند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۲۹۲).

۲-۱-۱-۱-۱-۲. امّ الکتاب

مرتبه سوم امّ الکتاب است که پس از عالم عنایت و قضاء، نخستین عالم است (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰) و قضای الهی به قلم خداوند در آن ثبت می‌شود «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (حجر: ۲۱) و نزد خداوند و فوق عرش قرار دارد «وَأِنَّهُ فِي مِمْلِكِ الْكِتَابِ لَأَيُّنَا لَحِيٍّ لِّمِمْ» (الزخرف: ۴) و علم لدنی خداوند از آنجا به قلب هر که اراده کند افاضه می‌شود «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمِ» (علق: ۴). امّ الکتاب، محل مشیت الهی و خزائن

است، قادر به احصا هرچیز است، ضبط کردنی که نسیان و فراموشی در آن راه ندارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، صص ۲۳۷-۲۳۸). هم‌نشین شدن احصا به صورت فعل ماضی با امام حاکی از دوام و ثبات این فعل الهی از جانب خداوند است (غرناطی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۰۷۰) و با توجه به صدر، آیه نشان‌دهنده این مطلب است که اموری که در این عالم و در چارچوب زمان قرار دارند، قبل از اینکه موجود شوند، نزد خداوند ثابت هستند و در خزینه‌های غیب الهی دارای نوعی ثبوت مبهم و غیرمقدرند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۲۵).

۲-۱-۱-۱-۲. مراتب علم الهی

همان‌گونه که ذکر شد، احصا مرحله‌ای بعد از احاطه و علم پیدا کردن درباره اشیاست و این سعه علم الهی و احاطه او به تمام موجودات قبل و بعد و در هنگام وجود آنهاست که زمینه احصا را فراهم می‌آورد. در جهان هر تغییر و تبدلی که ایجاد می‌شود در علم ازلی حق تعالی تأثیری ندارد؛ زیرا واقف به همه حوادث و ظاهر و باطن اشیاء است (غزالی، ۱۴۲۹، صص ۱۱۴-۱۱۵)؛ ازایزو و زم است که به علم الهی و مراتب آن پرداخته شود تا به درک جامع‌تری از آنچه در امام مبین ثبت و ضبط است، دست یافته شود. علم گونه‌ای از وجود است و وجود در عالم هستی دارای مراتب است که می‌توان آن را به پنج مرتبه تقسیم کرد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۶، رک. ۱۹-۱۱۷).

۲-۱-۱-۱-۲. عنایت

اولین مرتبه علم حق تعالی که از آن تعبیر به عنایت شده است، مربوط به ذات حق تعالی است و

علم خداوند است «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا إِدْنَاهُ بِذُرِّيَّتِهِ» (صدرالمتألهین، (حج: ۲۱)، (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۵۲، ج ۷، صص ۱۰۵-۱۱۰).

۲-۱-۱-۱-۴. لوح محفوظ

همان‌گونه که مرتبه ام‌الکتاب، ملکی الهی و قدسی است، مرتبه لوح محفوظ نیز ملکی نفسانی و مجرد است و همان‌گونه که ام‌الکتاب عالم عقلی است، لوح محفوظ نیز تماماً عالم نفسانی است و کار لوح محفوظ این است که علوم را از ام‌الکتاب فرا گیرد و سخن خدا را از آن می‌شنود (صدرالمتألهین، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱؛ ۱۳۶۴، ص ۳۶).

از این رو نسخه‌ای از آنچه در عالم قضاء است، در لوح محفوظ که قلب عالم است از طریق ام‌الکتاب ایجاد می‌شود. لوح محفوظ به سبب انضباط صورت‌ها در آن و محفوظ ماندن آن‌ها از تغییر و زوال محل قضا نیز هست. این لوح دارای مرتبه رفیعی است که مصون از نسخ و محفوظ از تغییر و تبدیل است؛ از این رو در نزد خداوند دارای منزلت شریفی است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، رک. ۲۵۲-۳۰۱).

مرتبه ام‌الکتاب و لوح محفوظ مربوط به عالم امر است که دارای چهره‌ای ثابت و ملکوتی و منزله از تدریج که از آن با نام «ملکوت» یاد شده است (إنما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیءٍ وإلیه ترجعون)، (یس: ۸۲-۸۳)، در قرآن کریم «ملکوت» خداوند که چهره ثابت و مصون از تدریج اشیا و مرتبط با امر خداست، با «تسیح» همراه است، امر خدا همان (کن) است. کار خدای سبحان این است که به آنچه وجود می‌دهد و

انجام آن را اراده کرده است، بگوید: «باش»، و او به هر چه گفت: «باش»، «می‌شود». (کن) الهی خطابی مخاطب‌آفرین است. نکته مزبور، در آیه‌ای دیگر اینگونه بیان شده است: «مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَّمَحٍ بِالْبَصَرِ» (قمر: ۵۰) عبارت «كَلَّمَحٍ بِالْبَصَرِ» به این مطلب اشاره دارد که امر الهی زمان‌بردار نیست؛ اگرچه زمان خود موجودی گسترده و تدریجی است و جنبه ملکوتی آن ثابت و در دست خدای منزله از دست است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۶۵). آنچه در عالم امر صورت می‌گیرد، فعل الهی است و فعل الهی همان مشیت و اراده حق تعالی است (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷). مشیت الهی نخستین امر صادر شده از غیب است که سایر مراتب وجود با مشیت پا به عرصه وجود می‌گذارند (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷).

۲-۱-۱-۱-۵. لوح محو و اثبات

مرتبه آخر، مرتبه لوح محو اثبات است که پس از نزول از مرتبه لوح محفوظ به عالم ماده و طبیعت است. این لوح در عالم خلق قرار دارد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۹۳) و از ویژگی‌های آن اینکه با اراده الهی و به تناسب حقایق و رخدادهای جهان مادی، در آن محو، اثبات، تغییر و نسخ رخ می‌دهد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۸۹)، به عبارتی می‌توان گفت آنچه مرتبه «لوح محفوظ» از مرتبه «ام‌الکتاب» - که هردو از عوالم امر و فوق طبیعت‌اند - کسب و ثبت می‌کند، از طریق لوح محو و اثبات به تدریج به آسمان دنیا نازل می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۸۸).

براینکه خود فی‌نفسه واضح و آشکار است، اسباب آشکارشدن علم و مشیت الهی را نیز فراهم می‌کند.

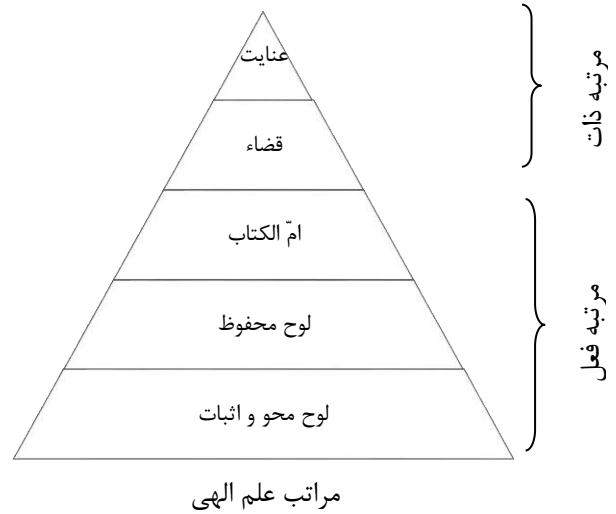
۲-۲. جانشین‌های «امام» در آیه ۱۲ سوره یس

در بخش قبل با بررسی هم‌نشین‌های «امام» در آیه مذکور برخی از مؤلفه‌های معنایی آن به دست آمد. در این بخش با بررسی جانشین‌های «امام» بخشی دیگر تلذ مؤلفه‌های معنایی امام بررسی می‌ود. □□□□□□ به ذکر است به‌جهت دستیابی به جانشین‌های «امام» از معناشناسی متنی بر بافت زبانی و رویکرد ساختگرا در معناشناسی بهره گرفته شده است.

معناشناسی مبتنی بر بافت زبانی، معنا را برحسب روابط بینامتنی میان واحدهای زبان بررسی می‌کند. مقصود از روابط بینامتنی روابطی است که از ارتباط یک واژه با سایر واژه‌ها پدید می‌آید و در سطح جمله و متن بررسی می‌شود، این روابط شامل روابط هم‌نشینی، جانشینی و سیاق است (حدادی، ۱۳۸۹، صص ۷۲).

در رویکرد ساختگرا (رک: سلمان نژاد، ۱۳۹۱، صص ۱۵-۱۶)، پس از انتخاب واژه مدّ نظر و استخراج نمونه‌های کاربرد آن در قرآن کریم برای دستیابی به واژه جانشین، در گام اول هم‌نشین‌های نحوی-«امام» احصا شده و از میان هم‌نشین‌ها، پربسامدترین هم‌نشین نحوی -«جعل»- انتخاب شده و به احصای هم‌نشین‌های آن پرداخته شده است. در این راستا دو مفهوم «خلیفه» و «آیه» شناسایی شد که می‌توانند در همه کاربردهای واژه «امام» در قرآن کریم جانشین در نظر گرفته شوند (رک: امینی، ۱۳۹۲، صص ۳۱-۴۸).

نمودار ۲: مراتب علم الهی



۲-۱-۱. مبین

هم‌نشین دیگر واژه امام در آیه مدّ نظر «مبین» است که موصوف «امام» است. مبین از ماده [بین] در لغت به معنای فاصله‌شدن بین دو چیز و قرارگرفتن در وسط آن دو وضع شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۱۵۶) و چون وجود وسط توأم با انفصال و ظهور و انقطاع است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۲۵۷)، به معنای آشکارشدن و وضوح بعد از ابهام نیز به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، صص ۳۷۶). آشکارشدن چیزی که خود فی‌نفسه واضح و آشکار است و اسباب آشکارشدن امر دیگری را فراهم می‌آورد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، صص ۳۷۶).

در یک ترکیب وصفی، صفت چگونگی موصوف را بیان می‌کند و موصوف منطبق بر صفت است (کشفی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۸۳). آنچه از علم الهی در وجود امام ثبت و ضبط می‌شود، با صفت مبین توصیف شده است، به این معنا که وجود امام واسطه میان حق تعالی و موجودات قرار گرفته است و علاوه

۲-۲-۱. خلیفه

خلیفه از ماده [خلف] است، اصل واحد در این ماده، مقابل «قَدَام» [جلو] است و به معنای چیزی است که پس از چیز دیگر می‌آید. در کاربردهای قرآنی در سه صورت به کار رفته است: ۱. مستخلف زمانی و وقوع شی بعد از شی دیگر (بقره: ۶۶)؛ ۲. مستخلف مکانی (توبه: ۸۷)؛ ۳. مستخلف کیفی، وصفی و در خصوصیات (یونس: ۱۴) که در جمیع نمونه‌ها وجه تأخیر و ظهور بعد از چیز دیگری لحاظ شده است. «خلیفه» صفت خلف و بر وزن فعلیه به معنای فاعل است؛ خلیفه یعنی جانشین سابق، نه کسی که ملحق به دیگری است و پس از او بر جای وی می‌نشیند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۷) و این جانیشینی از لحاظ کیفی است و این معنی اشرف صفات روحانی و مقامات ربانی که مقامی فضیلت‌تر از آن متصور نیست. «تاء» در «خلیفه» برای مبالغه است؛ یعنی آن موجود کاملی که می‌تواند در همه جوانب، آثار خدایی را (در مقام فعل) در جهان محقق کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۹) جانیشینی خلافت از امام در آیه ۱۲ سوره یس، خلافت در معنای سوم است.

خلافت در قرآن کریم به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. خلافت به معنای جایگزینی (یونس: ۱۴؛ فاطر: ۳۹)؛ ۲. خلافت به معنای وراثت از پیشینیان است که خداوند در آن منت می‌نهد و با دخالت حکیمانه خود، قومی که حجت را بر آنان تمام می‌کند؛ ولی آنان عناد می‌ورزند و خدا آنها را به هلاکت می‌رساند و قومی دیگر را وارث سرزمین آنان می‌گرداند (نور: ۵۵؛ اعراف: ۱۲۹)؛ ۳. خلافت ویژه انبیاء و اوصیاء الهی است (بقره: ۳۰؛ ص: ۲۶). خداوند آنان

را به‌طور خاص نماینده خود در زمین کرده و خلافت را برای آنان قرار داده است (شاه‌مرادی، ۱۳۹۰، ص ۴) و علت غایی این استخلاف نیز ظهور و بروز احکام و تدابیر الهی است، چون خلیفه باید از تمام شئون وجودی، آثار، احکام و تدابیر مستخلف عنه حکایت کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۵).

منشاء و واسطه رسیدن به مقام خلافت الهی علم و معرفت به «اسماء» است «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً... وَ عَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰی الْمَلٰئِكَةِ فَقَالَ اُنۢبِیۡنِیْ بِاَسْمَآءِ هٰۤؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیۡنَ» (البقره: ۳۰-۳۱)، منظور از اسماء، همان حقایق غیبی عالم است که به‌لحاظ سمه و نشانه خدا بودن، به «اسم» موسوم شده است، در قرآن کریم بیان مستقیم و حقیقت روشنی درباره حقیقت «اسماء» وجود ندارد؛ اما با استفاده از قرائن و شواهد احتمال داده‌اند که منظور از «اسماء» همان عالم خزائن و غیب است «وَ عِنۡدَهُ مَفَاتِحُ الْغَیۡبِ ۗ لَیۡسَ عَلَیۡهَا حَافِظٌ ۗ هُوَ ۙ عَلَیۡهَا عَلِیۡمٌ» (نعام: ۵۹) که اصل و ریشه همه اشیاء در آنجاست و اشیاء و موجودات عالم تنزل یافته آن حقایق و خزینه‌ها هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۱۱۷-۱۱۹، خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴) و بر اثر عنداللهی بودن فنا نمی‌پذیرند (ما عِنۡدَکُمْ یُنۢفَدُ وَ مَا عِنۡدَ اللّٰهِ بَاقٍ)، (النحل: ۹۶). مقصود از تعلیم اسماء پی بردن به حقایق اشیاء و معرفت حضوری به آنهاست که ملازم با قدرت بر تصرف تکوینی و برتری وجود آدم است (میریان، ۱۳۹۱، ص ۷۶). مؤید این مطلب ضمیر مذكر عاقل «عرضهم» و اسم اشاره مختص به عقلا هُوَ است.

با نظر به مطالبی که ذکر شد و گزارشی که از ام الکتاب ارائه شد، ام‌الکتاب علم حق تعالی در مرتبه

اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۰۲). به عبارتی می‌توان گفت توجه و قصد برای رسیدن به مقصود در جمیع کاربردهای این واژه نهفته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۸۷).

خداوند برای برقراری ارتباط با نوع بشر «نشانه‌هایی» قرار می‌دهد. این نشانه‌ها یا طبیعی و تکوینی اند و یا تشریحی. تعدد معانی (وجوه) به شکل مفرد واژه «آیه» تعلق دارد و به ترتیب در معانی متعددی چون معجزه، نشانه، عبرت، پدیده (شگرف)، آیه (به معنای جملات قرآن کریم) و حکم و دلیل روشن به کار رفته است؛ اما شکل جمع این واژه اغلب به معنای نشانه‌ها و گاه به معنای آیات قرآن کریم آمده است (نجفیان، ۱۳۸۹، ص ۹). آیات تکوینی برای همه افراد بشر به‌طور مستقیم و بدون واسطه فرستاده می‌شود؛ اما آیات تشریحی صرفاً از طریق (پیامبر) به انسان می‌رسد (راهنما، ۱۳۹۰، صص ۳۱-۳۲).

مدلول آیات تکوینی بیشتر توحید ربوبی، حقانیت پیامبر و معاد است و مدلول آیات تشریحی بیشتر تأکید بر وحی و کلام الهی است. خداوند از انسان انتظار دارد در مواجهه به آیات نگاه طریقی داشته باشد و در آنها متوقف نشوند و این نگاه برای رسیدن از دال به مدلول همان معنای تعقل، تفکر، تفقه در قرآن است و نتیجه این درک صحیح ایمان به مدلول آیات و درک نکردن آن منجر به کفر خواهد شد. واژه «آیه» در قرآن در دو مفهوم متنی (آیه‌های قرآن کریم) و فرامتنی (جهان طبیعت، سرگذشت پیشینیان و نفس انسان) به کار رفته است. در بیشتر نمونه‌ها هنگامی که مفهوم متنی واژه «آیه» مدنظر است، واژه به شکل جمع یعنی «آیات» و در مفهوم

فعل است که خزائن غیبی عالم و مشیت الهی در آن محفوظ است. خزائنی که از آنها تعبیر به اسماء حسنا الهی نیز شده است، پس می‌توان گفت حق تعالی همان «ام‌الکتاب» است که احاطه وجودی او به همه امور عالم است (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۲، ص ۸۸)؛ چرا که «ام» به معنای اصل هر چیزی است که همه چیز از آن وجود می‌یابد و به آن باز می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۶).

علم غیب اصالتاً از آن خداست «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ ۗ يَعْلَمُهَا ۗ لَٰكِنَّمَا يُؤْمِنُ بِهَا قَوْمٌ عَادِلٌ» (۵۹) و به تبعیت خدا دیگران هم می‌توانند به هر مقدار که خداوند سبحان اراده کند و تعلیم فرماید، بهره‌ای از علم غیب داشته باشند (بقره: ۳۱)، (جن: ۲۶-۲۷)؛ از این رو نسخه‌ای از آنچه در مرتبه ام‌الکتاب است در «امام مبین» که قلب عالم است، ایجاد می‌شود (صدرالمتالهین، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۲۵۲) و امام خلیفه الهی و نسخه‌ای جامع از ام‌الکتاب است که از آن به «امام مبین» تعبیر شده است (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۲، ص ۹۱).

۲-۲-۲. آیه

«آیه» از ماده «أوی، یاوی» بر وزن فعله به معنای علامت ظاهر و آشکار، نشانه و عبرت است. حقیقت معنی آیه برای امر ظاهری است که ملازم امر دیگری است که ظاهر نیست و آیه و علامت و اثرش آن را روشن و معین می‌کند. پس وقتی درک‌کننده یا مدرکی، ظاهر یکی از آنها (ظاهر شیء و لوازم آن شیء) را دانست و درک کرد، ذات و امر دیگری را که درک نکرده بود، با آن آیه و اثر درک می‌کند؛ زیرا حکم هر دو مساوی است و این موضوع در خسوسنک و معقولیات به‌ویژه روشن ملت (رئیس م

فرامتنی به شکل مفرد «آیه» آمده است (نجفیان، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

اراده ربوبی برای گشودن راه ارتباط مستقیم میان خود و انسان به صورت فرستادن «آیه» تجلی پیدا می‌کند. این آیه الهی است که سبب‌ساز ارتباط میان دو جهان گوناگون از معانی یعنی خداوند و انسان است.

با نظر به اینکه نظام هستی، نظام علل و اسباب است، همه اسمای فعلی خداوند مظهر می‌طلبد و اسباب و علل مأمورانی از مجموعه نظام هستند که کار می‌کنند و از آنها با نام آیه، خلیفه و مانند آن یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۰۲). امام «آیه» کبری الهی محصول ارتباط خداوند سبحان با انسان است، خداوند جهانی از معانی را با وجود «آیه» کبری خود به انسان منتقل کرده است، معانی که به نحوی با عالم غیب در ارتباط است. خداوند اراده کرده است، امام آیه اسمای حسنی فعلی او باشد و به اذن او در همه کائنات اثر گذارد و به همه آنچه در جهان امکان و به نشئه ظهور و تعین رسیده است، آگاهی داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۴۸). شناخت امام که «آیه» الهی است تنها راه رهنمون‌ساختن انسان به توحید و شناخت خداوند است. به عبارت دیگر وجود «آیه» شرط امکان ارتباط و کسب معرفت است.

انبیا و اولیای الهی آیات بی‌واسطه خداوند هستند؛ اما موجودات دیگر، آیات باواسطه خدایند؛ چون قدرت دریافت فیض خدا را به‌طور مستقیم ندارند؛ بنابراین فیض حق تعالی ابتدا به امام می‌رسد و از آنجا به دیگران سرایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

امام در تمام شئون افعال و اوصاف الهی «آیه کامل» باری تعالی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۵) و نشانه‌ای برتر از او نیست. امام علی^۷ می‌فرماید: «ما □□ عزوجل آیهٔ اکبر منی» در بیان دیگری از آن حضرت رسیده است: «أنا □□ یه العظمی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۳؛ ج ۵۴، ص ۳۳۶). مقام خلافت الهی امام به این معناست که اگر ما خدا را نمی‌بینیم، با دیدن امام «آیه کبری» خدا را مشاهده می‌کنیم و مدلول این آیه عظیم چیزی جز رسیدن به توحید ربوبی نیست. خدای سبحان از راه امام ظهور تمام دارد؛ چون همه حقائق عد□□ موجود است و موجود کاملی که عنداللهی باشد، شایسته است که از حقایق عالم باخبر باشد؛ از این رو ظهور خداوند در او بیش از ظهور خداوند در موجودهای دیگر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۶۲).

همان‌گونه که ذکر شد امام در آیه ۱۲ سوره یس به معنای لوح محفوظ است و لوح محفوظ از آیات خداوند سبحان در عالم تکوین است که دسترسی مستقیم و شناخت لوح محفوظ به صورت مستقیم برای بندگان عادی میسر نیست، ارائه دال (آیه) و نشانه‌ای از آن می‌تواند ارتباط آنها را با لوح محفوظ هر چند به‌طور غیرمستقیم برقرار سازد (راه‌نما، ۱۳۹۰، ص ۴۳). آیه و نشانه‌ای که قادر است این ارتباط را برقرار کند، وجود مقدس امام است؛ چراکه وجود مقدس امام ظرف اراده و مرتبه‌ای از علم الهی است، خداست «بل قلوبنا لوعیه لمشیة □□» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۳۳۷). به‌خاطر وجود امام و مرتبه‌ای از علم الهی که در وجودش جاریست، می‌توان به توحید ربوبی دست یافت، به عبارتی وجود امام متمم توحید خداوند سبحان است.

۲-۳- کتاب

عبارت (إِمَامٌ مُبِينٌ) در آیه ۱۲ سوره یس با عبارت (كِتَابٌ مُبِينٌ) در آیات ذیل از قرآن کریم دارای هیئت ترکیبی مشابه است:

﴿عِدَّةٌ مَّا تَوَجَّحَ الْقَيْءُ يَعْلَمُهَا ۖ هُوَ وَ يَعْلَمُ فِي الْوَالِ وَالْجَرِّ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ رَوْحِهِ ۖ يَعْلَمُهَا ۖ وَ يَجِبَةُ فِي ظُلُمَاتِ الْأُرُ و رَطْبُ و ۖ فِي ضَبِّ ۖ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (نعام: ۵۹).

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَ تَعْمَلُونَ فِي عَمَلٍ ۖ كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ فِي الْمَلَأِ ۖ وَ طَعَّرَ فِي كَلِّ ۖ وَ أُرِ ۖ﴾ (يونس: ۶۱).

﴿مَا فِي ذَالِكُمْ فِي السَّمَوَاتِ ۖ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ عِلْمٌ مُسْتَمَرٌّهَا وَ مَسْجُودٌهَا كُلِّ ۖ فِي يَتَلَبَّسُ مِثْقَالٌ﴾ (هود: ۶).

﴿وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَ ظُنِّ ۖ فِي ۖ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (النمل: ۷۵).

﴿قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَ لَأُتِيَنَّكُمْ عِلْمٌ الْغَيْبِ ۖ يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي مَوَلِكٍ ۖ وَ فِي السَّمَوَاتِ ۖ وَ طَعَّرَ فِي كَلِّ ۖ وَ أُرِ ۖ﴾ (آبُ ۖ فِي كِتَابِ مِثْقَالٍ كَلِمَاءُ: (۳)).

﴿وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا﴾ (النبأ: ۲۹).

به شهادت آیات مذکور مراد از «كِتَابٌ مُبِينٌ» کتابی است که از آن به «لوح محفوظ» تعبیر شده که «كُلُّ شَيْءٍ» در آن ضبط شده است و از جانب حق تعالی بر آن احاطه وجود دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۲۶، ج ۴، ص ۶۹۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۸۴، ج ۵، ص ۲۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۶۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۳۲۴؛ فخررازی،

۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۲؛ ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۶،

ص ۱۳۸؛ طوسی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۱۵۶).

آیات ذکرشده دارای هیئت ترکیبی مشابه با آیه ۱۲ سوره یس است؛ از این رو بر اساس روابط بینامتنی می‌توان نتیجه گرفت یکی از واژگانی که جانشین «امام» می‌شود، واژه «کتاب» در معنای لوح محفوظ است.

اصل «کتاب» در لغت به معنای به نظم درآوردن کلمات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۹۹) که در مفهوم آن آشکار شدن و تثبیت نهفته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۲۱). کلمه را به سبب «اثرگذاری» و «گزارشگری» آن، کلمه گفته‌اند. پس کلمه آن است که نهان و ضمیر را آشکار سازد. ضمیر انسان که از دیگران غایب است، به هنگام سخن گفتن، با کلمات ظاهر می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۰۷). بر همین اساس از موجودات امکانی که آیات الهی و غیب‌نما هستند، به کلمات تعبیر شده است (ولو أن ما فی الأرض من شجرة أقلام والبحر يمده من بعده سبعة أبحر ما قلت کلمت ۖ) (لقمان: ۲۷)؛ بنابراین «کلمه» معنای جامعی دارد که هم بر لفظ معنادار و هم بر عین خارجی، اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۱۸).

«کتاب مبین» پیونددهنده و جمع‌کننده کلمات الهی است، مانند تعبیری که فراهیدی ذیل ریشه «کتب» در العین ذکر کرده است «خرز الشیء بسیر» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۴۱)، «خرز» به معنای مهره‌های سوراخ‌داری است که برای درست کردن گردن‌بند یا تسبیح استفاده می‌شود و «سیر» به معنای رشته یا بند چرمی که مهره‌های گردن‌بند یا تسبیح را جمع می‌کند و نظم خاصی می‌دهد (آذرنوش، ۱۳۷۹،

حق تعالی نسبت به مخلوقات خود خبیر، بصیر، محیط و علیم است و هیچ چیزی از علم ذات اقدس خداوندی غایب و نهان نیست، خواه در آسمان باشد یا در زمین، ذره باشد یا کمتر و همه در «کتاب مبین» ثبت است «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ فِي عَمَلٍ ﴿۱﴾ كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي كَفْيِ الْمَلَاءِ وَلَا ظَهْرٍ غَرَفٍ فِي نَهْلٍ وَلَا وَجْهٍ إِلَّا فِي أَلْبَابِ ﴿۲﴾» (یونس: ۶۱).

در آیاتی از قرآن علاوه بر اینکه به ثبت علم الهی در «کتاب» اشاره شده است به «حفیظ» (ق: ۴) و «محفوظ» (بروج: ۲۲) آن نیز اشاره شده است؛ به این معنا که افزون بر اینکه خداوند بر مخلوقات خود علم دارد، خود نیز ایشان را از دستبرد دیگران حفظ می‌کند و این معنا در آیه ۴ سوره ق «قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیظٌ» به صورت صیغه مبالغه ذکر شده است که نشان‌دهنده شدت حفظ از جانب حق تعالی است. همچنین وصف «محفوظ» که در توصیف لوح در آیه ۲۲ سوره بروج ذکر شده است (فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ) نشان‌دهنده این مطلب است که حقیقت قرآن کریم در لوحی محفوظ است، لوح در لغت به معنای مطلق آنچه در آن می‌نویسند است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۰۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۵۰) و محلی است که مشیت الهی در آن به ودیعه نهاده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۸۵)؛ اما کیفیت آن پوشیده است و اطلاعات رسیده در این زمینه منحصر به روایاتی است که از طریق معصومین به ما رسیده است و از لوح محفوظ تعبیر به کتاب شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴، ص ۳۵۸).

صص ۱۶۱ و ۳۲۱)، به عبارتی می‌توان گفت کتاب مبین چون رشته‌ای است که کلمات الهی را که نشئت گرفته از فعل و مشیت الهی و مرتبه واقعی اشیاء و تحقق خارجی آنهاست، پس از بیرون شدن از خزائن الهی و قبل از رسیدن به عالم وجود و همچنین بعد از آن و بعد از طی شدن دورانشان در این عالم به هم پیوند می‌دهد و سبب انسجام آنها می‌شود.

مفهوم کتاب در همه آیات به صورت نکره ذکر شده است تا به عظمت آن از حیث سعه احاطه و دقتش اشاره کرده باشد (سامرائی، ۱۴۲۸، ص ۳۷) که هیچ کوچک و بزرگی نیست مگر آنکه آن را شمرده و بدان احاطه دارد.

۲-۲-۳-۱. ویژگی‌های کتاب

در بررسی هم‌نشینی‌های کتاب در معنای لوح محفوظ در آیات قرآن علاوه بر ذکر صفت مبین برای کتاب که درباره امام نیز ذکر شده است و به آن پرداخته شد، تعبیری چون محفوظ، حفیظ و مکنون به کار رفته است که بررسی آن مؤلفه‌های معنایی کتاب در معنای لوح محفوظ را روشن‌تر می‌کند:

۲-۲-۳-۱-۱. حفیظ

حفیظ از ماده [حفظ] به معنای نگهداری است و کاربرد آن در نمونه‌ها و موضوعات گوناگون متفاوت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۵۳)، همچنین به معنای بازداشتن و مانع شدن از برخورد بلا یا با چیزی است تا نابود نشود. حفیظ از اسمای حسنی الهی است که ضمن مبالغه‌آمیز بودن به معنای علیم و شهید نیز ذکر شده است (عسکری، ۱۴۱۸، صص ۲۰۵-۲۰۶).

حافظ‌بودن یکی از شئون ربوبیت حق تعالی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۳۸) و از جمله افعال مستمر و باثبوت الهی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۵۳) و از کاربرد محفوظ به صورت اسم مفعول قصد ثبوت شده است و محفوظ به منزله صفت مشبّه لت که دلالت بر ثبوت و استمرار می‌کند (کشفی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۲)، در نتیجه می‌توان گفت آنچه از علم الهی در کتاب ثبت می‌شود، به صورت پیوسته و مستمر در آن کتاب نگهداری و حفظ می‌شود و از گزند دیگران در امان است.

۲-۲-۳-۱-۲. مکنون

مکنون از ماده [کنن] به معنای پنهان‌کردن و پوشاندن است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۲۲). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: حقیقت قرآن کریم در کتاب مکنون که همان لوح محفوظ است، قرار دارد و مصون از هرگونه تبدیل و دگرگونی است «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكُونٍ» (الواقعه: ۷۸-۷۷) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۳۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۷۵). صفت مکنون در توصیف کتاب ذکر شده است (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۲۷، ص ۳۰۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۸۳). به عبارتی وصف کتاب به صفت مکنون نشان‌دهنده مصون‌ماندن و پوشیدگی این کتاب از گزند است و احدی به ساحت مقدس دست نخواهد یافت، جز افرادی که از آنان تعبیر به پاکان شده است «لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (الواقعه: ۷۹). منظور از «مطهرون» کسانی است که خدای تعالی دل‌هایشان را از هر رجس و پلیدی و هرگونه تعلق به غیرخدای تعالی پاک کرده است «إِنَّمَا رُيِّدَ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

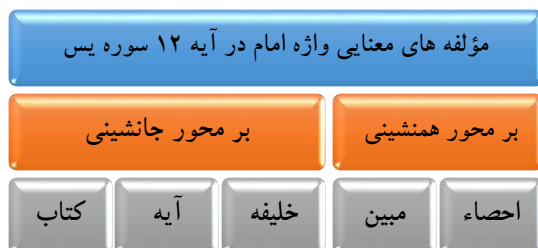
تَطْهِيرًا» (حزاب: ۳۳) و منظور از مس کتاب، علم پیداکردن به حقایق آن کتاب است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۳۷؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۱۰۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۱۰۵؛ خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷).

رسیدن به همه معارف قرآن، برای شخصی میسر است که اگر نشأ وجودی او مقدم بر قرآن نباشد، بقل باید همسان‌شود تا بولد جامع و لحظ همه مطالب آن باشد. امام که اولین ظهور حق با نام کتاب مبین است، به همه حقایق قرآن تکوینی احاطه دارد و بی‌شک به معارف قرآن تدوینی نیز احاطه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی انجام‌شده مؤلفه‌های معنایی واژه «امام» در آیه «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس: ۱۲)، را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای از مؤلفه‌ها که از طریق مفاهیم هم‌نشین به دست آمد و دسته‌ای که از طریق مفاهیم جانشین که هریک تعیین‌کننده مفهوم «امام» در آیه مزبورند و از طریق نمودار زیر ملاحظه می‌شوند:

نمودار ۳: مؤلفه‌های معنایی واژه امام در آیه ۱۲ سوره یس



از مؤلفه‌های معنایی واژه «امام» در آیه مزبور واژه احصاء است، هم‌نشین شدن آن با «امام» در واقع بیان

- کننده این حقیقت است که علم الهی در «امام مبین» ثبت و محفوظ است؛ اما نکته تأمل‌برانگیز این است که مراد مرتبه‌ای از علم است که در مرتبه فعل قرار دارد؛ چراکه علم ذاتی دست‌یافتنی نیست. در میان مراتب فعلی علم الهی مرتبه «ام‌الکتاب» □□ترین مرتبه علم الهی است که همه‌چیز در عالم از آن وجود می‌یابد و هر که را خداوند اراده کند، می‌تواند از آن بهره‌ای داشته باشد (جن: ۲۶-۲۷).
- همان‌گونه که ذکر شد خلیفه مؤلفه معنایی واژه «امام» در محور جانشینی است و می‌توان گفت نسخه‌ای از آنچه در مرتبه ام‌الکتاب است در «امام مبین» ثبت و محفوظ است. «امام» خلیفه الهی و نسخه‌ای جامع از ام‌الکتاب است که از آن به «امام مبین» تعبیر شده است و برخی آن را لوح محفوظ می‌دانند. لوح محفوظ از آیات خداوند سبحان در عالم تکوین است که دسترسی مستقیم و شناخت لوح محفوظ به صورت مستقیم برای بندگان عادی میسر نیست؛ بنابراین ارائه دال (آیه) و نشانه‌ای از آن می‌تواند ارتباط را با لوح محفوظ هرچند به‌طور غیرمستقیم برقرار سازد. آیه و نشانه‌ای که قادر است این ارتباط را برقرار کند وجود مقدس امام است؛ چراکه وجود مقدس امام ظرف اراده و مرتبه‌ای از علم الهی خداست؛ وجودی که خود فی‌نفسه واضح و آشکار است (مبین) و واسطه میان حق تعالی و موجودات قرار گرفته و آشکارکننده علم الهی است. امام پیوند دهنده کلمات الهی و نظم‌دهنده امور است و نزد خداوند از هر گزندی محفوظ است.
۱. قرآن کریم. (۱۴۱۵ق)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
 ۲. آزادی، پرویز (۱۳۹۰ش)، مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق.
 ۳. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹ش)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
 ۴. ابن عاشور، محمد ابن طاهر (بی‌تا)، *التحریر والتنویر*، بی‌جا، بی‌نا.
 ۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *مقاییس معجم مقاییس اللغه*، تهران: انتشارات علوم اسلامی.
 ۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
 ۷. اختیار، منصور (۱۳۴۸ش)، *معناشناسی*، تهران: دانشگاه تهران.
 ۸. امین اصفهانی، سیده نصرت (۱۳۶۱ش)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان.
 ۹. ایزتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۱۰. باقری، مهری (۱۳۷۸ش)، *مقدمات زبان‌شناسی*، تهران: نشر قطره.
 ۱۱. بیضاوی، عبد □□ بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۲. بی‌یرویش، مانفرد (۱۳۷۴ش)، *زبان‌شناسی جدید*، ترجمه محمد رضا باطنی، تهران: آگاه.
 ۱۳. پالمر، فرانک (۱۳۷۸ش)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: کتاب ماد.

۱۴. جوادی آملی، عبد □ □ (۱۳۸۹ش)، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۵. --- (۱۳۸۸ش)، عصاره خلاقیت، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. --- (۱۳۸۵ش)، علی مظهر اسماء الحسنی، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. چندلر، دانیل (۱۳۸۶ش)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
۱۸. حاتمی □ □ له‌زار، «معناشناسی رحمت رحیمیه در قرآن»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره ۲.
۱۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد □ □ (۱۹۴۳م)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، وکاله المعارف.
۲۰. حدادی، آمنه (۱۳۸۹ش)، حس فرامتن در قرآن، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی مطیع، دانشگاه تربیت معلّم.
۲۱. خمینی، سیدروح □ □ (۱۳۸۰ش)، شرح دعای سحر، تدوین: احمد فهری، بی‌جا: انتشارات فیض کاشانی.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.
۲۳. راهنما، هادی (۱۳۹۰ش)، معناشناسی نام‌های معاد در قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.۷.
۲۴. سامرائی، فاضل صالح (۱۴۲۸ق)، معانی النحو، قاهره: شرکه العاتک لصناعه الکتاب.
۲۵. سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۱ش)، معناشناسی تدبیر در قرآن، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد پاکتچی، تهران: دانشگاه امام صادق.۷.
۲۶. سوسور، فردینان دو (۱۳۸۰ش)، «مبانی ساخت‌گرایی و زبان‌شناسی»، ترجمه کوروش صفوی، در ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی، به کوشش فرزاد سجودی، تهران: حوزه هنری.
۲۷. شاهمرادی، محمد مهدی، «تحلیل مقام خلافت الهی امام مهدی (عج)»، فصلنامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۲۰.
۲۸. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸ش)، مبانی معناشناسی نوین، تهران: سمت.
۲۹. صادقی ارزگانی، محمد امین (۱۳۸۲ش)، انسان کامل از نگاه امام خمینی و عارفان مسلمان، قم: بوستان کتاب.
۳۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: بی‌نا.
۳۱. صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۴ش)، للظهر □ □ الهیه، ترجمه و تعلیق محمد طیبیان، تهران: امیرکبیر.
۳۲. --- (۱۳۶۶ش)، تفسیرالقرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار.
۳۳. --- (۱۳۸۰ش)، بلرل □ □ یات، ترجمه محمد خواجهوی، تهران: مولی.
۳۴. --- (۱۹۸۱م) □ □ سفلر □ □ ربعه، محمد ابن ابراهیم این قوامی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۳۵. صفوی، کوروش (۱۳۷۸ش)، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران: سوره مهر.
۳۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۳۸. طریحی، فخرالدین بن محمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *مجمع البحرین*، قم: مؤسسه‌البعثه.
۳۹. طوسی، محمد ابن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۰. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۸ق)، *الفروق اللغویه*، قاهره: دارالعلم و الثقافه.
۴۱. غرناظی، احمد ابن ابراهیم ابن زبیر (۱۴۰۳ش)، *ملاک التأویل القاطع بذوی حد و التعطیل فی توجیه المتشابه اللفظ من آی التنزیل*، تحقیق: سعید الفلاح، بیروت: دارالغیب اسلامی.
۴۲. غزالی، ابوحامد محمد بین محمد (۱۴۲۹ق)، *المقصد السننی فی شرح معانی اسماء الحسنی*، قاهره: دارالسلام.
۴۳. فراهیدی خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت.
۴۴. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۹ش)، *بیولوژی نص*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۴۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۶. کرمانی، سعید (۱۳۹۱ش)، *معنی‌شناسی عقل در قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق.
۴۷. لسانی فشارکی، محمد علی و طیبه اکبری راد، «کاربرد روش‌های معناشناسی در قرآن کریم»، *صحیفه مبین*، شماره ۳۹.
۴۸. لشکری، کبری، «علم الهی از دیدگاه ملاصدرا»، *فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی*، سال ششم، شماره ۲۲.
۴۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق) *مجمع البحرین*، *لدرر اخبار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۰. محمد العوی، سلوی (۱۳۸۹ش)، *بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظائر در قرآن کریم*، ترجمه حسین شهیدی، چاپ دوم، مشهد: به‌نشر.
۵۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشرکتاب.
۵۲. مطیع، مهدی (۱۳۹۱ش)، *معنای زیبایی در قرآن*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷.
۵۳. موحدی، نرگس، «ویژگی‌های انسان کامل از دیدگاه امام خمینی و ابن عربی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی طلوع*، سال دهم، شماره ۳۷.
۵۴. میریان، سیداحمد، «بررسی معناشناسی و تفسیر آیه خلیفه الهی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری*، سال سوم، شماره ۱۱.
۵۵. نجفیان، آرزو، *نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم*، *فصلنامه نقد ادبی*، شماره ۱۰.
۵۶. یاکوبسون، رومان (۱۳۸۰ش)، «قطب‌های استعاره و مجاز»، ترجمه کوروش صفوی، در *ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات*

ادبی، به کوشش فرزانه سجودی، تهران: حوزه
هنری.

۵۷. یزدی مطلق، محمود و جمعی از نویسندگان
(۱۳۸۷ش)، امامت‌پژوهی، مشهد: دانشگاه علوم
اسلامی رضوی.